

واژه‌های تخصصی مدیریت

نوشته: اسفندیار دشمن‌زیاری

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت آموزشی

تفاوت بین واژه‌های Management و Administration

مقدمه

هر علمی برای برقراری ارتباط با مخاطبان خود نیاز به زبان ویژه‌ای دارد و هر زبانی نیز از ترکیبات پیچیده‌ای در قالب کلمات، واژه‌ها و اصطلاحات تشکیل یافته است که تفکیک و تمیز آنها اغلب دشواری‌هایی برای دریافت‌کنندگان آن زبان ایجاد می‌نماید. بدیهی است در صورت عدم وضوح لغات و اصطلاحات، استفاده‌کنندگان دچار نوعی سردرگمی و ابهام می‌گردند، لذا در این کوتاه سخن سعی شده است تا دو اصطلاح کلیدی و مهم علم مدیریت یعنی Management و Administration که در مواقعی ایجاد شبهه نموده و به جای یکدیگر بکار گرفته می‌شوند به نقد و بررسی گذاشته شود. بنابراین ابتدا تفاوت تاریخی و جغرافیایی سپس معنی لغوی و تفاوت این معانی و در پایان افتراق کلی این دو واژه یا اصطلاح با استفاده از منابع گوناگون توضیح داده خواهد شد.

□ تفاوت تاریخی و جغرافیایی

از نظر تاریخی و قدمت، واژه Administration قبل از Management مطرح شده است. به طور کلاسیک اولین بار هانری فایول واژه Administration را وارد سیستم اجرایی نمود و عنوان کتاب خود را نیز اداره امور صنعتی^۱ انتخاب کرد. در این کتاب فایول سعی می‌کند یک نظریه عمومی برای اداره امور کل سازمان‌ها ارائه دهد و در تعقیب این هدف، از اصولی نام می‌برد که به نظر وی در کلیه سازمان‌ها کاربرد دارند.^۲ در واقع اطلاق امور اجرایی به واژه Administration با نظریه فایول مناسبت داشته و کلی تر از واژه Management است که پس از فایول توسط فردریک تیلور مطرح شد.

در آموزش و پرورش این دو واژه معادل یکدیگر به کار برده شده است با این تفاوت که از حیث جغرافیایی برای مدیریت در آمریکای شمالی و استرالیا واژه Administration و در بریتانیای کبیر واژه Management مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۳

□ معانی لغوی

به طور کلی معانی این دو واژه از نظر لغوی قابل تفکیک هستند و با مراجعه به منابع گوناگون چنین نظری مورد تأیید قرار می‌گیرد. هر چند واژه نامه بریتانیکا این دو واژه را معادل یکدیگر قرار داده است.^۴

۱ - فرهنگ آریانپور (واژه نامه)

اداره کل - حکومت - اجرا = Administration

روش مدیریت - کارگردانی - قلمرو مدیریت = Management

1 - Genral And Industrial Administration

۲ - علی محمد اقتداری، سازمان و مدیریت، تهران، مولوی، پائیز ۱۳۷۰، ص ۹

3 - Hedlay Beare. Brianj . Caldwell And Ross H. Millikan Creatingan Excellent School. London ; Routledge, P 23 , 1992.

4 - Encyclopedia Britanika , P. 20.

۲ - واژه‌نامه حیم

Administration = اجرا - اداره

Management = اداره (حوزه) مدیریت یا ریاست

۳ - واژه‌نامه علوم اجتماعی و فلسفه (ماری بریجانیان)

Administration = اداره امور - کارگزاری - مدیریت

Management = مدیریت

۴ - واژه‌نامه روانشناسی (براهنی و همکاران)

Administration = اجرا - مدیریت

Management = مدیریت

با توجه به معانی فوق می‌توان دریافت که اکثر این منابع در معنی لغوی این دو واژه اشتراک نظر داشته و همه آنها مفاهیم اجرا و اداره امور را برای واژه Administration و مدیریت را برای واژه Management به کار برده‌اند که با عنایت به چنین مواردی می‌توان گفت معانی لغوی این دو واژه متفاوت بوده و Management زیرمجموعه Administration می‌باشد. □

اکنون نگاهی به تعاریف کوتاه این دو واژه از دید فرهنگ‌های گوناگون می‌اندازیم تا افتراق بین این دو واژه روشن‌تر گردد.

□ ۱ - کتاب دایرةالمعارف جهان The World Book Encyclopedia

Administration: نگاه کنید به مدیریت، ارتباطات پرسنلی و تمرکز!

Management: یعنی هدایت مشاغل، کارگزاران حکومت، بنیانگذاری و بسیاری

دیگر از فعالیت‌های سازمان‌ها. عقیده اصلی درباره مدیریت عبارتست از هرگونه

اتخاذ عمل یا تصمیمی که به تحقق دقیق هدف‌های انتخابی کمک کند.^۱ دید این کتاب نیز به این دو واژه متفاوت بوده و همانگونه که مشاهده می‌گردد واژه Administration را به تعدادی زیرمجموعه ارجاع داده است. در حالی که واژه Management را به عنوان یکی از زیرمجموعه‌ها تشریح نموده و از تعریف آن نیز بر می‌آید که این واژه بیشتر در رده عملیاتی کاربرد داشته باشد.

□ ۲ - فرهنگ علوم رفتاری (شعاری نژاد)

Administration: تعیین هدف‌ها و سیاست‌ها در یک عمل را گویند.^۲
 Management: اداره، مدیریت: رهبری و تدبیر وسایل و هر نوع طبقه‌ای که شامل اشخاص باشد که برای بدست آوردن نتیجه‌ای که قبلاً پیش‌بینی و منظور شده است انجام پذیرد. یا اشخاصی که جمعاً عهده‌دار این وظایف هستند.^۳
 آقای شعاری نژاد این دو واژه را بوضوح تفکیک نموده بگونه‌ای که سرمنشأ حرکت یعنی برنامه‌ریزی، تعیین هدف و سیاست‌گذاری را از وظایف Administration دانسته و رهبری برای حصول به نتایج این هدف‌گذاری و گزینش خط‌مشی را به عهده Management می‌داند.

□ ۳ - وبستر (Webster)

Administration: عبارتست از عملکرد وظایف اجرایی، مدیریت و هدایت

۲ - مدیریت اموال شخص فوت شده بوسیله یک وصی یا قیم.

۳ - مدیریت یک حوزه توسط هیئت امناء.^۴

Management: مهارت زیاد یا کم در اداره امور و چون تجهیزات نظامی، ابزار

و ماشین که عبارتست از اجرای کارکردهایی مثل برنامه‌ریزی، سازماندهی،

هماهنگی، هدایت، نظارت و سرپرستی هر نوع فعالیت یا پروژه تجاری و صنعتی با

1 - The World Book Encyclopedia , Vol. 13, P. 97.

۲ - علی اکبر شعاری نژاد، فرهنگ علوم رفتاری، چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۴، ص ۱۹.

۳ - همان مأخذ، ص ۲۴۳.

4 - Webster Dictionary , Vol 1, P. 28.

پذیرفتن مسئولیت برای رسیدن به نتیجه^۱.
این تعاریف نیز کلی بودن Administration و اداره مستقیم عملیات بوسیله Management را نشان می‌دهند.

□ ۴ - دایرةالمعارف بین‌المللی علوم انسانی

Administration: رجوع شود به فصول زیر که عبارتند از جنبه‌های سیاسی ساختارهای اجرایی، فرایندها و رفتارهایی چون بوروکراسی، تمرکز و عدم تمرکز و فصل اداره سازمان‌های بین‌المللی. مطالعه آکادمیک این موضوعات در مدیریت عمومی مورد بحث قرار می‌گیرد. اما قلمرو این واژه در سیاست‌گذاری بودجه‌ای، مدیریت مشاغل، تصمیم‌گیری، روابط صنعتی، سازمان‌ها و برنامه‌ریزی اجتماعی خواهد بود^۲.

Management: نگاه کنید به Administration و بخش وظایف کارگزاری، مدیریت مشاغل روابط صنعتی و تحقیق در عملیات^۳.
به طوری که مشاهده می‌شود این تعاریف نیز همچون سابق Management را به عنوان مشول اجرای سیاست‌گذاری‌های Administration معرفی نموده‌اند.

□ ۵ - فرهنگ مدیریت^۴

Administration:
الف: مترادف با مدیریت بویژه در قلمرو دولتی و خدمات عمومی.
ب: امور اداری: فعالیت‌های مرتبط با دفترداری و پردازش اطلاعات یا اموراداری.
پ: فعالیت‌های مرتبط با کاربرد مقررات، روش‌ها و خط‌مشی‌های تعیین‌شده بوسیله دیگران.

1 - Ibid, Volume 2, P. 1372.

2 - International Encyclopedia of The Social Sciences, Vol. 1, 2, P. 61.

3 - Ibid, Vol. 5, 6, P. 554.

۴ - درک فرنچ، فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۱.

ت : دولت وقت در یک کشور : یعنی سیاستمداران منصوب از جانب رهبری سیاسی کشور جهت انجام مسئولیت‌های واحدهای ویژه.

ج : وظایف یک تیم

Management : فرایند، فعالیت یا مطالعه مربوط به وظیفه‌ای مبتنی بر کسب اطمینان از این که تعدادی فعالیت متفاوت بنحوی در حال اجراست که منجر به دستیابی به هدفی معین می‌گردد، بویژه وظیفه‌ای است مبتنی بر ایجاد و حفظ شرایطی که طی آن هدف‌های مطلوب از طریق کوشش‌های مشترک گروهی از افراد حاصل می‌گردد. اغلب چنین اظهار می‌شود که این وظایف مربوط به کارکنان و در واقع اجزاء تشکیل دهنده وظایف مدیریت است که برای سهولت کار بر عهده کارشناسان گذارده شده است و آنان به جنبه اجرایی (Administration) خط‌مشی‌هایی می‌پردازند که مدیران تعیین کرده‌اند (به همین دلیل در آمریکا بیشتر عبارت اداره کارکنان مصطلح است تا مدیریت امور کارکنان). محققاً مطالعه مدیریت و عملکرد و اجرای نقش خاص، در میان گروهی کم و بیش پایدار متمرکز بوده است. در گذشته و بویژه هنگامی که نظریه مدیریت اجرایی دیدگاه غالب در مدیریت بود، واژه اداره امور (Administration) مرسوم‌تر از واژه مدیریت (Management) بود. بدلیل بداهت موضوع بدون هیچگونه شرحی به سوی دایرةالمعارف آمریکانا می‌رویم که با بحثی جامع این دو واژه را شرح داده و افتراق بین آنها را بازگو می‌کند.

□ ۶ - دایرةالمعارف آمریکانا^۱

Administration: عبارتست از مدیریت امور اجرایی، همچنین این واژه بر گروه مدیران و دوره مدیریت آنها دلالت می‌کند.

در معنای وسیعتر به عنوان مترادف Management واژه Administration همکاری گروهی تحت هدایت اجرایی و تلاش برای اجرای هدف‌ها از طریق برنامه‌ریزی و سازماندهی را می‌رساند و عبارتست از هنر و علم توسعه یافته و دانشی که اکنون اکثر مشاغل بدان نیازمندند.

ملل توسعه یافته اغلب بیش از آنکه از کمیابی موادخام رنج ببرند از فقدان

مهارت‌های مدیریت در عذابند. هر چه تعداد مؤسسات اجتماعی افزایش می‌یابند مدیریت و رهبری اجرایی نیز باید نقش بیشتری را ایفا کنند. بنابراین به‌طور مکرر از واژه‌هایی چون اداره کردن جامعه (Administered Society)، کیفیت اجرایی (Administrativ State) و اداره کنترل قیمت‌ها (Administered Prices) استفاده می‌شود. در تجارت، حکومت، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها و حتی در مدیریت کلیساها، Administration به عنوان یک شغل تخصصی با آموزش ویژه و رموز اخلاقی مطرح می‌گردد. استناداردهای آن نیز توسط گروه‌هایی چون انجمن مدیران آمریکا، مجمع آمریکایی برای کارگزاری عمومی و بعضی از اجتماعات تخصصی مانند دانشکده آمریکایی مدیران بیمارستانی وضع شده است.

کارگزاری تطبیقی (Comparative Administration) در جستجوست تا آنچه را که در رشته‌های مختلف مدیریت اساسی بوده و عمومیت دارد کشف کند. به عنوان مقیاس واحد و رشته فنون، مدیریت حرفه‌ای و مدیریت عمومی به‌طور فراگیر در پردازش امور به یکدیگر شباهت دارند.

همانگونه که کامپیوترها هر روز عمومی‌تر می‌شوند، Administration نیز به عنوان یک منبع حرفه‌ای و اجتماعی ممکن است برای رشد بیشتر (هدف‌های سازمانی) پذیرفته شود و لذا خطری هم وجود دارد که Administration به‌طور وسیعی مکانیکی شده و باعث غفلت جامعه از نیازهای انسانی گردد.

اگر بخواهیم که مصرف آزاد، مشارکت آزادمنشانه و شرکت‌های خصوصی از درون سازمان‌های اجتماعی مورد حمایت قرار گیرند، به‌طور مستمر به سیاست‌گذاری (Administration) نیازمندیم و مدیریت باید دیدگاه‌های فلاسفه و متخصصین علوم انسانی را با بالاترین درجه شایستگی فنی ترکیب سازد.

Management: هنر هماهنگ کردن عناصر یا عوامل تولید در جهت تحقق اهداف یک سازمان؛ به عبارت دیگر اجرای هدف‌ها با به کارگیری نیروی انسانی، مواد و ماشین‌ها.

طبقه‌بندی سنتی اقتصادی عوامل تولید عبارت از زمین، کار و سرمایه و وظیفه عمده مدیریت، ایجاد هماهنگی بین این عوامل است. هرگونه تشکیلات اقتصادی یا

مؤسسه‌ای، خواه عمومی خواه خصوصی، چه سودآور باشد چه نباشد، باید تحت کنترل قرار گیرد. کنترل یک مؤسسه اقتصادی توسط مدیریت (Management) و سیاست‌گذاری (Administration) بسیار مؤثر خواهد بود. گرچه تمیز و تشخیص این دو کارکرد از یکدیگر به میزان زیادی گیج‌کننده است اما این دو واژه مشابه یکدیگر نیستند.

Administration شامل تعیین اهداف و خط‌مشی‌های مؤسسات است بنابراین در سازمان‌های تجاری این هدف‌ها شامل تولید اقتصادی، فروش مازاد تولید و رشد شرکت می‌گردد و در شرکت‌ها و سازمان‌های غیرتجاری خط‌مشی‌ها را نیز Administration تعیین می‌کند و انجام و اجرای این سیاست‌ها برای تحقق اهداف سازمان به عهده Management است.

به دلیل اینکه در اغلب موارد مدیریت امور کارکنان (Management Personnel) بر سیاست‌گذاری تأثیر می‌گذارد ابهام بین این دو واژه بیشتر می‌گردد.

برای اینکه امور اجرایی (Administration) و مدیریت (Management) کارکرد اثربخشی داشته باشند، ابتدا باید ساختار آماده‌ای برای مؤسسه وجود داشته باشد. لذا هم سازمان Administration و هم سازمان Management هر دو برای ساختار جدید شرکت‌ها به عنوان سنگ‌بنای محسوب می‌شوند. هم‌اکنون به Management به عنوان مجری سیاست‌های Administration از طریق چارچوب سازمان نگریسته می‌شود.

شکلی که سازمان از یک شرکت خواهد گرفت، توسط ماهیت مسائلی که با آن مواجه است، تحت شرایطی که این مسائل حل خواهند شد و ویژگی‌های کارکنان سازمان که در دسترس هستند تعیین می‌گردد.

بدلیل تخصصی شدن هر چه بیشتر کارکردهای مدیریت سازمان مدیریت (Management) مشکل عمده‌ای برای امور اجرایی (Administration) فراهم کرده است که مشکل اصلی در این زمینه، هماهنگی است و راه‌حل معمول برای چنین مشکلی، تقسیم واحدهای مدیریتی به خطوط کاربردی مثل مدیریت‌های مالی، تولید و پرسنلی است. مدیریت (Management) هم به عنوان علم و هم به عنوان یک هنر مطرح می‌باشد.

□ منابع

- ۱ - حَیْم: فرهنگ انگلیسی به فارسی حَیْم، تهران: فرهنگ معاصر، ۱۳۶۴.
- ۲ - آریانپور، عباس. فرهنگ دانشگاهی، چاپ نهم، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۹.
- ۳ - شعاری‌نژاد، علی اکبر. فرهنگ علوم رفتاری، چاپ اول، تهران: امیرکبیر ۱۳۶۴.
- ۴ - براهنی، محمدتقی و همکاران، واژه‌نامه روانشناسی، تهران: فرهنگ معاصر پاییز ۱۳۶۸.
- ۵ - بریجانیان، ماری، فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی، ج ۱ و ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی ۱۳۷۱.
- ۶ - فرنج، درک، فرهنگ مدیریت، ترجمه محمد صائبی، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی ۱۳۷۱.
- ۷ - فرهنگ وبستر، تهران: انتشارات کسری.
- ۸ - اقتداری، علی محمدی، سازمان و مدیریت، تهران: مولوی، پاییز ۱۳۷۰.
- ۹ - *The World Book Encyclopedia, U . S . A : F. G. A 1967.*
- ۱۰ - *Sills L. David, International Encyclopedia of the Social Sciences,* - London : Macmillan Company.
- ۱۱ - *Encyclopedia Americana, New york : 1976.*
- ۱۲ - *Encyclopedia Britanika, London.*
- ۱۳ - Hedley Beare, Brian J. Caldwell And Ross H. Millikan, - *Creating an Excellent School, London : Routledge, 1992.*